خبر

۳۸ باند مواد مخدر در گلستان منهدم شد

فرمانده انتظامی گلستان از انهدام ۳۸ باند و کشف بیش از ۶ تن مواد مخدر از ابتدای سال جاری تا کنون خبر داد. به گزارش مهر به نقل از پایگاه خبری پلیس گلستان، سردار علی اکبر جاویدان اظهار کرد: امروزه اعتیاد به مواد مخدر عامل تهدید کننده سلامت فرهنگی و اجتماعی در جامعه است. وی با اشاره به اینکه موضوع مواد مخدر از دایره آسیب های اجتماعی داخلی فراتر رفته و به یک تهدید علیه جوامع بشری تبدیل شده است، گفت: اعتیاد مشکل فرد و خانواده نیست بلکه مشکل جامعه است. فرمانده انتظامی گلستان مقابله را یکی از راهکارهای ریشه کن کردن اعتیاد در جامعه عنوان و تصریح کرد: پلیس گلستان از ابتدای سال جاری تا کنون موفق به انهدام ۳۸ باند تهیه و توزیع مواد مخدر شده است. وی گفت: در همین راستا، ۶ تن و ۱۰۰ کیلوگرم انواع مواد مخدر کشف شد که کشف این مقدار مواد در مقایسه با سال قبل ۴۲ در صد رشد داشته است. سردار جاویدان از افزایش ۳۲ درصدی دستگیری عناصر اصلی تهیه و توزیع مواد مخدر خبر داد و گفت: طی این مدت ۱۹۲ دستگاه وسیله نقلیه سبک و سنگین متعلق به قاچاقچیان توقیف و ۸ قبضه سلاح نیز از آنان کشف شد.

خدمت ۱۳۵ میلیارد ریالی راهداری به گلستانی ها

مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده ای گلستان اعلام کرد: با جذب و هزینه کرد ۱۳۵ میلیارد ریال اعتبار از محل منابع مختلف ۳۸ طرح زیرساختی و خدماتی به منظور بهبود ایمنی جاده ها و روان سازی تردد خودروها در دهه فجر امسال بهره برداری شد. به گزارش ایرنا، مهدی میقانی اظهار کرد: این طرح ها شامل لکه گیری، روکش آسفالت و بهسازی ۴۵ کیلومتر از محورهای مواصلاتی استان با اعتبار بالغ بر ۷۶میلیارد و ۵۰۰میلیون ریال و راه اندازی ۱۶ سامانه هوشمند ثبت تخلفات عبور و مرور در جاده ها با اعتبار۳۲میلیارد ریال است. وی؛ ساخت ۹ دستگاه پل عابر پیاده با سرمایه گذاری ۱۸میلیارد ریال برای برقراری تردد ایمن و آسان عابران و کاهش تلفات جاده ای و نصب سامانه توزین در حال حرکت یا WIM در مسیر گرگان - علی آبادکتول با اعتبار ۸ میلیارد و ۵۰۰میلیون ریال را از دیگر طرح های اجرا شده، برشمرد. به گزارش ایرنا طول راه های استان گلستان بالغ بر پنج هزار کیلومتر بوده که حدود یکهزار و ۹۰۰ کیلومتر آن برفگیر و کوهستانی است.طبق گزارش اخیر مدیرکل راهداری و حمل و نقل جده ای گلستان، در این استان حدود ۱۵۰ شرکت حمل و نقل کالا، مسافر و بین المللی، حدود ۲۰ تشکل صنفی حمل و نقل و حدود ۱۵ هزار راننده حرفه ای زیر پوشش این اداره کل فعالیت می کنند.

وقوع دو قتل طی روزهای اخیر در بندرترکمن

فرمانده انتظامی بندرترکمن گفت: درگیری شامگاه یکشنبه در یکی از روستاهای این شهرستان باعث مرگ یک جوان روستایی شد و قاتل توسط ماموران انتظامی دستگیر شده است. سرهنگ حسین پهلوان دلیر در گفتگو با ایرنا، اظهار کرد: در این حادثه تلخ مشکلات شخصی مقتول و قاتل موجب مرگ یک جوان حدود ۳۰ ساله شد. وی؛ محل وقوع این درگیری را در مناطق روستایی شرق بندرترکمن و حوالی روستای قره قاشلی اعلام کرد. به گزارش ایرنا و به نقل از منابع محلی هویت متوفی م. ک بوده که به سبب شدت جراحات وارده ناشی از ضربات چاقو و پس از انتقال به بیمارستان امام خمینی (ره) بندرترکمن جان باخته است. فرمانده انتظامی بندرترکمن همچنین در خصوص قتل یک نفر حدود ۶۰ ساله که شامگاه جمعه در منطقه سیجوال این شهرستان اتفاق افتاده است، گفت: افسران و کارآگاهان آگاهی در حال بررسی و تحقیق در این مورد هستند.

جاذبه‌های گردشگری زیر خاک دفن شده است

نماینده ولی فقیه در گلستان گفت: بسیاری از جاذبه‌های گردشگری استان زیر خاک دفن شده است به گزارش مهر، آیت الله سید کاظم نورمفیدی اظهار کرد: گردشگری به عنوان یک تجارت و صنعت پردرآمد شناخته شده که می‌تواند گلستان را متحول کند و متولیان این بخش باید با برنامه ریزی، استعدادهای استان را نمایان کنند. وی افزود: استعدادهای گردشگری استان زیر خاک دفن شده و به طور مثال دیوار دفاعی گرگان با طول ۲۰۰ کیلومتر میراث ارزشمندی است که حتی آقای سلطانی فر رئیس وقت سازمان میراث فرهنگی از آن بی خبر بود و نیاز است تا در این شرایط مسئولان پیگیر باشند نه اینکه پشت میز بنشینند و امضا کنند. نورمفیدی بیان کرد: کارهای زیادی در راستای توسعه استان گلستان انجام شده اما هنوز مشکلات زیادی داریم و مسئولان باید برای رفع مشکلات اقتصادی و اشتغال نسل جوان مردم تلاش کنند. وی افزود: برای دستیابی به توسعه باید نگاه برنامه‌ای و توسعه‌ای داشت و مسئولان استان باید مراقب باشند تا گرفتار پیچ و خم‌های روزمرگی نشوند. نماینده ولی فقیه در گلستان با بیان اینکه اقتصاد استان بر دوش کشاورزی و کشاورزان قرار دارد، گفت: البته وضعیت کشاورزی استان قانع کننده نیست زیرا کشاورزی ما سنتی بوده و شرایط بدتر از گذشته شده است. نورمفیدی تصریح کرد: کشاورز جان زمین را می‌گیرد تا خودش زنده باشد و این مدل کشاورزی توسعه‌ای نیست و مردم و مسئولان باید قدر آب و خاک را بدانند زیرا برای تجدید یک سانتی متر خاک به ۵۰۰ سال زمان نیاز است. وی ادامه داد: کشاورزی ما باید بر اساس علم و کارشناسی باشد و برای خاک و آب و نحوه استفاده از آن برنامه داشته باشیم. امام جمعه گرگان با بیان اینکه ۲۸۰ هزار هکتار زمین در گلستان نیاز به زهکشی دارند، اظهار کرد: به گفته مسئولان ۱۰ هزار هکتار از اراضی پایین دست زهکشی شده و آب مورد نیاز تالاب آلاگل از همین محل تامین شده است، بنابراین امکان انجام کارهای اساسی در استان وجود دارد.نورمفیدی نیروی انسانی را اصل و اساس توسعه دانست و گفت: نگاه مسئولان استان باید بر مبنای توسعه انسانی باشد و می‌توان گره‌ها و از این طریق بن بست‌های در مسیر پیشرفت را باز کرد.

طرح حمایت از خانواده زندانیان پیگیری می شود

نماینده مردم شهرستان های کردکوی، بندرترکمن، بندرگز و گمیشان در مجلس شورای اسلامی از پیگیری طرح حمایت از خانواده های زندانیان خبر داد. به گزارش ایرنا به نقل از دادگستری گلستان، رامین نورقلی پور در نشست شورای قضایی گلستان با نمایندگان مردم استان در مجلس شورای اسلامی در گرگان با استقبال از طرح حمایت از خانواده های زندانیان اظهار کرد: نمایندگان استان در مجلس این طرح را پیگیری می کنند. رییس دادگستری کل گلستان هم آشنایی نمایندگان مردم با دشواری های فعالیت در دستگاه قضایی را هدف از برگزاری این نشست عنوان کرد و گفت: تعامل بیشتر دستگاه قضایی و نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی به رفع مشکلات کمک می کند. هادی هاشمیان با تاکید بر اینکه تمرکز بر پیشگیری از وقوع جرم و فرهنگ سازی یکی از اولویت های دادگستری استان است، اظهار کرد: پخش برنامه سیمای قانون با هدف افزایش آگاهی های حقوقی مردم از سیمای گلستان، حضور در مساجد و استفاده از مجازات های جایگزین حبس و تعلیق از برنامه های دادگستری استان در این راستاست. به گفته وی؛ همچنین ارتباط دادگستری با دستگاه های اجرایی استان و شورای تامین سبب موفقیت برنامه های پیشگیری از وقوع جرم و کاهش ورودی پرونده به محاکم شده است. وی با اشاره به بهره مندی از ظرفیت ریش سفیدان و بزرگان اقوام ساکن در گلستان گفت:این فرصت به سازش بیشتر در پرونده ها و بخشیدن زندگی دوباره به چندین محکوم به قصاص منجر شد. هاشمیان همچنین از تعیین یک رابط در دادگستری گلستان برای دسترسی راحت تر نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی خبر داد.

آئین گرامیداشت عطا یعقوبیان پیشکسوت موسیقی پاپ گلستان برگزار شد

آئین گرامیداشت عطا یعقوبیان، پیشکسوت موسیقی پاپ گلستان باحضور جمع کثیری از فرهنگ دوستان گرگانی برگزار شد. به گزارش مهر، مراسم تجلیل از هنرمند پیشکسوت موسیقی پاپ گرگان عطا یعقوبیان شامگاه دوشنبه با حضور جمع کثیری از اهالی فرهنگ و هنر گلستان در تالار فخرالدین اسعدگرگانی برگزار شد. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان در این مراسم اظهار کرد: تجلیل و تقدیر از هنرمندان پیشکسوت به منظور حفظ هویت فرهنگی مان انجام می شود و باید این امر نسل به نسل منتقل شود. وی افزود: زمانی که در شهر خودمان این چنین هنرمندان فاخری داریم از هنرمندان سایر شهرها بی نیاز می شویم، اینکه از باب ناچاری و از باب نبود اطلاع نسبت به سرمایه های فرهنگی خودمان دست به دامان جاهای دیگر شویم درست نیست.حجت الاسلام فضیلت اظهار کرد: پرداختن به فرهیختگان و پیشکسوتان در واقع قدم برداشتن در راستای جان آفرینی است، چرا که ما با این کار به حیات فرهنگی خود دوام می بخشیم. یحیی قاسمی، نوازنده پیشکسوت فلوت و درام که از دوستان قدیمی استاد یعقوبیان است هم در این مراسم اظهار کرد: در گذشته نه کلاسی به این شکل امروزی برگزار می شد و نه آموزشگاهی بود، اما بین هنرمندان عشق جاری بود و رقابت به معنای تمام بین هنرمندان برقرار بود. وی افزود: در رشته ما یعنی موسیقی نباید اختلاف وجود داشته باشد چرا که رشته ما رشته جذب مخاطب است نه دفع آن. عطاالله یعقوبیان متولد چهار آبان سال ۱۳۳۰ در گرگان بوده وکار خود را به عنوان خواننده در اولین گروه پاپ گرگان (نامبروان) در سال ۱۳۴۹ شروع کرد. وی مدرس گیتار در سبک های مختلف است.

آگهی‌های ثبتی

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱) کلاسه شماره ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۷۶ مورد تقاضای خانم قربان بی بی وجدانی فر فرزند مراد به شماره ملی ۴۹۷۹۰۵۰۴۸۴ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۲۱۲۴ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۷۵-اصلی به مالکیت رسمی آقای قربان محمد ایری واقع در انار مرز بخش ۲ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۲) کلاسه شماره ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۵۳ مورد تقاضای خانم مرد بی بی طراح فرزند گلدی نیاز به شماره ملی ۶۲۸۹۸۲۰۱۹۲ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۶۴۰٫۵۵ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۷ فرعی از یک اصلی به مالکیت رسمی فرخ تکین واقع در اراضی نیاز آباد بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۳) کلاسه شماره ۱۳۹۴۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۱۲ مورد تقاضای آقای امان تقان کر فرزند اوراق طغان به شماره ملی ۲۲۳۹۷۳۵۲۶۰ نسبت به مقدار ۱۳۹۳٫۵۷ متر مربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۹۰۰۰۰ متر مربع به پلاک ۱۳۲۴ فرعی از یک اصلی به مالکیت رسمی آقای عاشور پایگل واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۴) کلاسه شماره ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۰۰ مورد تقاضای آقای عبدالعزیز ارساری فرزند عبدالحکیم به شماره ملی ۶۲۸۹۳۸۰۸۵۰ ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۹۸٫۷۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹۷۶ فرعی از یک اصلی به مالکیت رسمی آقای نیاز محمد کر واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۵) کلاسه شماره ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۲۶ مورد تقاضای خانم اراز بی بی قرینجک فرزند حاجی قلی به شماره ملی ۶۲۸۹۶۱۴۶۹۱ ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۹۴٫۱۳ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۳۱۱ فرعی از یک اصلی به مالکیت رسمی بانو گرانمایه خواجه نفس واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۶) کلاسه شماره ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۵۹ مورد تقاضای آقای عبدالوهاب ایزدی فرزند امان قلیچ به شماره ملی ۴۹۷۹۵۴۵۰۳۳ ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۴۰۱٫۴۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۵۲۳۶ فرعی از یک اصلی به مالکیت رسمی آقای نوروردی بیناگر واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۷) کلاسه ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۴۷ مورد تقاضای آقای احمد کوثری فرزند محمد به شماره ملی ۲۲۳۹۸۲۱۴۸۵ ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۸۱٫۵۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۳۱۱ فرعی از یک اصلی به مالکیت رسمی خانم بانو گرانمایه خواجه نفس واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۸) کلاسه ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۹۷ مورد تقاضای آقای رسول سقلی فرزند بیگ محمد به شماره ملی ۲۲۳۹۹۷۸۴۴۹ ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۵۵٫۶۶ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۳۰۴ فرعی از یک اصلی به مالکیت رسمی آقای ساقند قزاق واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۹) کلاسه ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۹۸ مورد تقاضای خانم سلیمه ایری فرزند انا محمد آقا به شماره ملی ۲۲۳۹۷۳۸۵۷۱ ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۳۳۶٫۷۹ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۳۰۴ فرعی از یک اصلی به مالکیت رسمی آقای ساقند قزاق واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۱۰) کلاسه ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۲۴ مورد تقاضای آقای عبدالوهاب بشکند فرزند کوجه به شماره ملی ۶۲۸۹۶۳۴۳۴۸ ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۶۳٫۴۷ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۵۸۲۰ فرعی از یک اصلی به مالکیت رسمی آقای عبدالرحمن کلته چیان واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۱۱) کلاسه ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۷۱ مورد تقاضای آقای امین دوجی فرزند عبدالعظیم به شماره ملی ۲۲۳۹۸۴۵۷۲۴ ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۳۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۲۹۸ فرعی از یک اصلی به مالکیت رسمی آقای امان قزل واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۱۲) کلاسه ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۷۷ مورد تقاضای آقای رجب محمد طریک فرزند قول قره به شماره ملی ۶۲۸۹۸۴۰۵۱۷ ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۳۵ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۸۶۰ فرعی از یک اصلی به مالکیت رسمی آقای عبدالکریم بشنین واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه‌ثبتی بندرترکمن.

۱۳) کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۲۶ مورد تقاضای خانم حاج بی بی شیخ فرزند تای قلی به شماره ملی ۲۲۳۹۶۳۴۷۰۷ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۳۵۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۱۳۹ فرعی از ۱۰۹۳ اصلی به مالکیت رسمی آقای نور محمد خداوردی واقع در اراضی خواجه نفس بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۱۴) کلاسه ۱۳۹۴۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۶۱ مورد تقاضای شرکت برق منطقه ای مازندران و گلستان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۹۷ ساری به شناسه ملی ۱۴۰۰۰۲۹۸۴۳۷ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۹۲۲٫۷۲ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۰۷ فرعی از یک اصلی به مالکیت رسمی آقای امان قاضلی کر واقع در اراضی گمیشان بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۱۵) کلاسه ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۳۹ مورد تقاضای آقای حاجی محمد کر فرزند انور به شماره ملی ۶۲۸۹۲۱۸۱۴۱ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۰۰۰۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۳ فرعی از یک اصلی به مالکیت رسمی آقای اوده نظر گمیش تپه واقع در اراضی گمیشان بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۱۶) کلاسه شماره ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۷۹ مورد تقاضای آقای گلدی محمد قرینجیک چاروا فرزند رجب محمد به شماره ملی ۶۲۸۹۸۹۵۱۳۳ نسبت به مقدار سه دانگ مشاع از ششدانگ عرصه یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۴۱۸۰۴٫۷۳ متر مربع به پلاک ۳۸۰۳ فرعی مجزی شده از پلاک ۲۲۰ فرعی از یک اصلی به مالکیت رسمی آقای اله قلی چکیتلی واقع در اراضی گمیشان بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۱۷) کلاسه شماره ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۲۳ مورد تقاضای آقای انا رجب بی باک فرزند حیدر به شماره ملی ۲۲۶۹۰۹۰۶۶۷ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۲۵۸۸ متر مربع تمامت پلاک شماره ۲۳۲ فرعی از ۳ اصلی به مالکیت رسمی آقای گل محمد تایلی زاده شیخ واقع در اراضی بصیر آباد بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۱۸) کلاسه شماره ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۳۵۹ مورد تقاضای آقای عبدالرحمن قانقرمه فرزند رجب محمد به شماره ملی ۶۲۸۹۷۴۱۷۰۵ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۵۰۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱ فرعی از ۱۲ اصلی به مالکیت رسمی آقای زمان ایری واقع در اراضی کتوک بخش ۵ حوزه ثبتی‌بندرترکمن.

۱۹) کلاسه شماره ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۵۱ مورد تقاضای آقای اراز محمد شیر علی فرزند حاجی عاشور به شماره ملی ۲۲۳۹۷۳۷۴۳۳ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۰۰۰ متر مربع تمامت پلاک شماره ۲۵۸ فرعی از ۹ اصلی به مالکیت رسمی خانم بی بی منگلی جانی واقع در اراضی گامیشلی نزار بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۲۰) کلاسه شماره ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۹۹ مورد تقاضای خانم سعیده محمد آناء فرزند محمد آنا به شماره ملی ۶۲۸۹۲۳۲۰۵۳ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۰۰۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۲۳ فرعی از ۲ اصلی به مالکیت رسمی خانم سعیده محمد آنا واقع در اراضی پنج پیکر بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۲۱) کلاسه شماره ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۰۸ مورد تقاضای خانم سخیده مفیدی فرزند اراز به شماره ملی ۶۲۸۹۳۴۴۶۰۹ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۰۰۰۰ متر مربع تمامت پلاک شماره ۳۶ فرعی از ۱۵-اصلی به مالکیت رسمی آقای ساقم عراقبای واقع در اراضی آلتین تخماق بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۲۲) کلاسه شماره ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۴۴ مورد تقاضای آقای آنه دردی خوش پرست فرزند عبداله به شماره ملی ۲۲۳۹۶۴۴۵۵۹ ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۶۰۳٫۵۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۲۱ فرعی از ۸ اصلی به مالکیت رسمی آقای آنا محمد صادقی واقع در اراضی قره قاشلی بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۲۳) کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۷۹۳ مورد تقاضای آقای سعید پنق فرزند رحمت به شماره ملی ۶۲۸۹۳۴۴۰۱۳ ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۴۸۳٫۶۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۳۹۹ فرعی از ۶ اصلی به مالکیت رسمی آقای نوری رنج بر واقع در اراضی سیمین شهر بخش ۵ حوزه ثبتی‌بندرترکمن.

۲۴) کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۸۴۵ مورد تقاضای خانم بی بی فاطمه امانزاده سید فرزند مراد به شماره ملی ۶۲۸۹۸۳۶۲۲۶ ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۸۴۸٫۳۳ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۶ فرعی از ۱۲ اصلی به مالکیت رسمی آقای تقان گلدی قوجقی واقع در اراضی کتوک بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۲۵) کلاسه ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۱۱ مورد تقاضای آقای انا محمد پاچیده فرزند قونچ به شماره ملی ۶۲۸۹۶۱۶۴۵۵ ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۵۰۲۵ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۴۴ فرعی از ۱۷ اصلی به مالکیت رسمی آقای عراز قلیچ صنوبری داز واقع در اراضی نوروز علی قرنجیک بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۲۶) کلاسه ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۰۱ مورد تقاضای آقای اراز محمد شیر علی فرزند حاجی عاشور به شماره ملی ۲۲۳۹۷۳۷۴۳۳ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۰۰۰ متر مربع تمامت پلاک شماره ۷۴۷ فرعی از ۹ اصلی به مالکیت رسمی خانم بی بی منگلی جانی واقع در اراضی گامیشلی نزار بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۲۷) کلاسه ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۶۸ مورد تقاضای آقای غفور چوکان فرزند مجید به شماره ملی ۶۲۸۹۴۲۹۳۵۳ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۵۹۱ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۲۲ فرعی از ۲ اصلی به مالکیت رسمی آقای غفور چوکان و خانم انه بی بی خانم آرخ واقع در اراضی پنج پیکر بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۲۸) کلاسه ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۷۰ مورد تقاضای آقای عبدالطالب چوکان فرزند مجید به شماره ملی ۶۲۸۹۴۲۳۲۸۲ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۵۹۱ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۲۲ فرعی از ۲ اصلی به مالکیت رسمی آقای عبدالطالب چوکان و خانم انه بی بی خانم آرخ واقع در اراضی پنج پیکر بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

هیات حل اختلاف مستقر در ثبت اسناد و املاک بندرترکمن بشرح آرای صادره با تصرفات مفروزی و مالکانه اشخاص ذیل از پلاکهای مندرج را تائید و به جهت عدم دسترسی به مالکین مقرر شد پس از نشر آگهی سند مالکیت رسمی صادر و تسلیم گردد علیهذا به استناد ماده ۳ قانون فوق مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز جهت اطلاع مالکین مشاعی و سایر صاحبان حقوق در یکی از روزنامه های کثیر الانتشار و محلی آگهی می شود و از اینرو در صورتیکه اشخاص ذینفع به اراء فوق اعتراض دارند می بایست از تاریخ انتشار نوبت اول به مدت دو ماه (۶۰ روز) اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک بندرترکمن تسلیم و رسید اخذ نمایند ضمنا معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست در دادگاه عمومی بندرترکمن نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت اسناد و املاک بندرترکمن تحویل نماید در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات اقدام به صدور سند مالکیت خواهد نمود صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد شد .

سیروس آریافر- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ترکمن- م.الف: ۸۷۰۳

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۳۹۶/۱۱/۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۶/۱۲/۹

آگهی تشکیل مجمع عمومی عادی سازمان نظام صنفی رایانه ای استان گلستان (نوبت دوم)

بدینوسیله از کلیه اعضا محترم دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی نوبت دوم که راس ساعت ۱۲ ظهر روز دوشنبه ۹۶/۱۱/۳۰ با دستور جلسه ذیل در محل سازمان به آدرس گرگان، خیابان ولیعصر، عدالت ۳۴، اولین فرعی سمت چپ، پلاک ۱۰ تشکیل می گردد، حضور بهم برسانید.

دستور جلسه:
۱ـ تصویب صورتهای مالی تا پایان دوره منتهی ۹۶/۶/۳۱
۲ـ تصویب بودجه پیشنهادی سالیانه
۳ـ تصویب نرخ ورودیه و حق عضویت جدید
۴ـ تعیین روزنامه رسمی
۵ـ انتخاب اعضاء هیئت مدیره و بازرس
۶ـ سایر مواردی که در اختیار مجمع عمومی می باشد.

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

خبر

حقوق بخش خصوصی رعایت شود

استاندار گلستان با یادآوری اهمیت حضور بخش خصوصی در امر تولید، گفت: نباید حق و حقوق بخش خصوصی تضییع شود و همه دستگاه های اجرایی و بانک ها از تولید کنندگان و سرمایه گذاران حمایت های لازم را انجام دهند. به گزارش ایرنا از استانداری، سیدمناف هاشمی در پنجاه و چهارمین نشست کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید استان با اشاره به همراهی بانک ها در ارائه تسهیلات به تولید کنندگان، اظهار کرد: با توجه به رتبه دوازدهم استان در اعطای تسهیلات رونق تولید به متقاضیان باید تا پایان سال ۹۶ با همکاری دستگاه های دولتی و بانک ها، حداقل گلستان تا جایگاه هفتم کشور صعود کند.وی افزود: در عرصه پرداخت تسهیلات مربوط به نوسازی و بازسازی واحدهای تولیدی هم اینک با پرداخت بیش از ۱۲۰ میلیارد ریال به ۱۱ واحد تولیدی رتبه ششم کشور را داریم که امیدواریم با همکاری بانک ها به جایگاه سوم دست یابیم. استاندار گلستان ادامه داد: ۳۴۲ واحد تولیدی استان با همکاری بانک ها ۵هزار و ۱۳۱ میلیارد ریال وام در قالب رونق تولید، نوسازی و بازسازی و پرداخت مستقیم از بانک ها دریافت کرده اند.به گفته وی؛ با توجه به اهمیت ارائه وام برای رونق تولید، امیدواریم تا پایان سال جاری با همکاری بانک ها یکهزار تا یکهزار و ۲۰۰میلیارد ریال دیگر به واحدهای تولیدی پرداخت شود.هاشمی در خصوص تعهد اشتغال در گلستان نیز گفت: تعهد استان ایجاد ۱۹ هزار و ۴۰۰ شغل در سال جاری بوده که تا کنون ۱۸ هزار و ۱۷۸ مورد محقق شده است. وی همچنین گفت: امسال تعداد اخراجی های مشاغل استان ۱۰ درصد نسبت به مشابه سال گذشته کمتر شد و این نشانه خوبی برای ثبات اشتغال های ایجاد شده ،است. در این نشست مسائل و مشکلات ۱۰ واحد تولیدی گلستان مورد بررسی قرار گرفت و مصوبات لازم جهت رفع مشکل آنان صادر شد. گلستان یک میلیون و ۸۶۹ هزار نفر جمعیت دارد، اقتصاد استان بویژه درمناطق روستایی بیشتر بر پایه کشاورزی، دامپروری و تاحدودی ماهیگیری استوار است، بخش صنعت گلستان بیشتر در حوزه واحدهای تولیدی کوچک و متوسط فعالیت دارد.

استقبال بهاری هتلداران تهران

اتحادیه هتلداران استان تهران به منظور فراگیر نمودن دیدار گردشگران داخلی و خارجی در گشت و گذاری متفاوت در تهران بزرگ که در ایام نوروز که با شروع بهار از حال و هوای خاص برخوردار و اماکن سیاحتی با ارائه خدمت نهادهای متولی در حوزه تاریخ کهن و آثار باستانی جهت بازدید مهیا گردیده و نیز بوستان های تهران با هوای مطبوع و چشم نوازی خاص که دارند با مدد شهرداری طی چند سال اخیر طراوت خاصی را به هوای تهران بخشیده است و در آمیختن عیدی ۴۰٪ تخفیف هتلداران تهران از اول تا سیزده فروردین ۱۳۹۷ برای گردشگران داخلی و خارجی شرایط مفرح و سرشار از محبت و دوستی را برای استقبال و تدارک خدمتی متناسب با شان و مرتبه ایرانی و خارجی تدارک دیده اند.در انتظار برق نگاه پرمهر و محبت شما و شادی شادکامی تان هستیم

بازگشایی پل تاریخی و مرمت شده آق قلا برای استفاده گردشگران

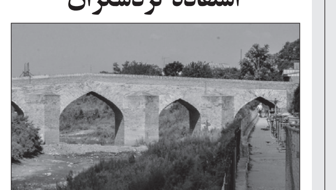

آئین بازگشایی پل تاریخی شهرستان آق قلا پس از مرمت؛ برای بازدید گردشگران با حضور استاندارگلستان، نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی و جمعی از مدیران استانی و شهرستانی برگزار شد. به گزارش ایرنا، رییس اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آق قلا گفت: اوایل سال جاری بخشی از دیوار حائل پل تاریخی آق قلا فرو ریخت که با حمایت اداره کل میراث فرهنگی و با اعتباری بالغ بر ۵۰۰ میلیون مرمت و امروز شاهد بازگشایی این پل برای تردد مردم هستیم. زلیخا قرنجیک اظهارکرد: مرمت و تکمیل بهسازی این پل یکی از خواسته های مردم این شهرستان بود که سالها به دلیل تامین نشدن اعتبارات لازم به تاخیر افتاده بود.

بخش اول

گذری بر رویکرد آنگلوساکسونی به فلسفه تاریخ

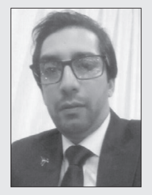

محمد امین مرئی- بدون شک تاریخ نقش بنیادینی در اندیشه آدمی دارد که در ترابط با مفاهیمی همچون کنش انسانی، تغییر و تطور، تاثیر شرایط مادی در امور انسانی و واقعه تاریخی بوده و امکان کسب تجربه از تاریخ، را پیش روی ما قرار می دهد. تاریخ همچنین از طریق درک نیروها، انتخابها و گزینش ها و تمرکز بر شرایطی که ما را به لحظه حال رسانده اند باعث می شود تا نسبت به اکنون خود معرفت بیشتری حاصل کنیم. از همین رو چندان عجیب نخواهد بود که هر از چند گاهی فلاسفه به سراغ تاریخ رفته و به غوررسی تاریخ و ماهیت دانش تاریخی بپردازند. البته کسانی نیز از خلاف آمد این نظر، متذکر شده اند که گرچه گمان می رود که آدمی از تجربه درس می گیرد و به گذشته با چشمانی باز می نگرد ولیکن نگاه کردن به «پشت سر تاریخی» تنها اندکی آسان تر از پیش بینی آینده است چراکه برداشت از گذشته تا حد زیادی، زیر تاثیر سخنی ست که قصد داریم از آینده بزنیم. بنابراین محتمل است که تحقق آنچه را که میل داریم در آینده رخ دهد را بر ادراکمان از گذشته تحمیل نماییم.

این نکات جملگی می توانند در ساختاری تحت عنوان «فلسفه تاریخ» مجتمع گردند و مسایلی را درخصوص پرسشهای بنیادین این ساحت عیان نمایند. با نگاهی بر مباحثات گستره فوق می توان بیان داشت که فلسفه تاریخ امری چند وجهی است که از تتبعات و تحلیل ها و براهین ایدئالیست ها و پوزیتیویست ها و اهالی منطق و... تشکیل شده است. از طرف دیگر فلسفه تاریخ همواره میان اروپائیان و انگلیسی -آمریکایی ها و میان هرمنوتیک و پوزیتیویسم در حال کش و قوس بوده است. بهمین جهت عرضه تصویری تمام نما و واضح از تمامی نظرات درخصوص فلسفه تاریخ به همان اندازه ناممکن گشته که تعریف رشته ای علمی شامل همه این رویکردها. تصور اینکه هنگام بیان عبارت فلسفه تاریخ به سنت فلسفی خاص اشاره می شود، تصور نادرستی است، زیرا مکاتب مطرح در این حوزه بر سر موضوعات و روشها نیز به ندرت با هم اتفاق نظر دارند. با اینهمه مصنفات و مکتوبات فیلسوفان درباره تاریخ حول چند پرسش خاص سامان می یابد که هر یک متضمن متافیزیک، هرمنوتیک، شناخت شناسی و تاریخ گرایی مربوط به خود است.پرسشهایی همچون:

تاریخ از چه نوع اعمال فردی، ساختارهای اجتماعی، دوره ها، حوزه ها، تمدن ها، جریانات تاثیر گذار بزرگ و چه نوع اراده ای تشکیل شده است؟

آیا تاریخ در ورای حوادث و اعمال فردی تشکیل دهنده آن، همچون یک کل دارای معنا، ساختار و خط سیر مشخص است؟ شناسایی، بازنمایی و تبیین تاریخ مستلزم چه چیزهایی است؟

تاریخ تا چه حدی سازنده اکنون آدمی ست؟ زیرنهاد یا گوهر و هسته اصلی ساختارها و موجودیت های تاریخی همچون جنبش ها و دولتها و... چیست؟ آیا قادریم تا مفهومی از هستی اجتماعی و تاریخی عرضه کنیم که در عین اینکه مانع شیء انگاری ست، واقعیتی موجه به هستی های مفروض بدهد؟ درباره ذات علی رخدادها و ساختارهای تاریخی که بنیان و اساس تحلیل های تاریخی است، چه می توان گفت؟ تفسیر از نوع همدلت پنداری درخصوص گذشتگان چه جایگاهی دارد و مورخان چگونه به قضاوت درست و مناسبی درباره این همدلت پنداری دست می یابند؟

اندیشمندان مکاتب مختلف هریک از لونی به پرسشهای اخیر پاسخ داده و راجع به آن تامل ورزیده اند. در نوشتار پیش رو کوشش شده تا رویکرد فلسفه تاریخ آنگلوساکسونی به بحث گذاشته شود.سنت تجربی و آنگلوساکسونی فلسفه همواره نگاهی گذرا به تاریخ داشته و فیلسوفان این حوزه با وانهادن پرسشهای فلسفه تاریخ نظری، منطق و معرفت شناسی دانش تاریخی را در مرکز توجه خویش قرار دادند. از نظر بسیاری از ایشان پرسش بنیادی، پرسش در خصوص ویژگی های منطقی و معرفتی دانش تاریخی و تبیین آن می باشد. باید گفت که تجربه گرایی هیوم سر نخهای مشخصی را برای تمامی موضوعات فلسفه آنگلوساکسونی از خود بجا نهاده که تفسیر رفتار انسان و علوم انسانی را نیز شامل می شود. هیوم کتاب مفصل و پرمغزی درباره تاریخ انگلستان به تصنیف درآورد که تفسیر وی از تاریخ مبتنی بر تحلیل کنش ها و انگیزه ها و علل عادی ست که در گسست از تفاسیر دینی تاریخ قرار دارد. نقطه عزیمت نگرش فلسفی و به تاریخ بر پایه این ایده است که شرح گذشته می تواند بر فرض وجود ماهیت انسانی ثابت تکیه کند.رویکرد آنگلوساکسونی در فلسفه تاریخ در میانه سده بیستم و با ظهور «فلسفه تاریخ تحلیلی» مجدداحیا گردید. از جمله کسانیکه در این گستره نقش ایفا کردند می توان به گاردنر، درای و دانتو اشاره نمود. در این رویکرد روشها و امکانات فلسفه تحلیلی در توضیح امر تاریخی و دانش تاریخی به کار گرفته می شود. مسئله مورد توجه در اینجا ویژگیها و مختصات دانش تاریخی است. بدین معنا که ما از چه طریقی و چگونه واقعیتهایی در مورد تاریخ را مورد شناخت قرار میدهیم. همچنین بر این نکات متمرکز می گردند که آیا تاریخ یک تحلیل معتبر و صادق تاریخی از چه مواردی تشکیل شده است و آیا این تحلیل محتاج بهره گیری از قوانین کلی است؟ در خصوص دانش تاریخی چه می توان گفت: آیا دانش تاریخی به مدد شواهد و قراین تاریخی موجود حاصل می آید؟

تاکید فیلسوفان تحلیلی بر تجربی و علمی بودن تاریخ است. از همین رو تمام تلاش دارند تا این دیدگاه را با توسل به روشهای علمی مخصوص علوم طبیعی به اثبات رسانند. بدین سان، ایشان به همان نحوی که هر نوع مشاهده غیر تجربی در بررسی ساختار جهان را نامعتبر می دانند، نسبت به تاریخ نیز چنین رویکردی اتخاذ می کنند. مطابق تلقی ایشان عقل فلسفی فی نفسه قادر نیست تا منشاء و ینبوع دانش حقیقی درباره ماهیت جهان باشد. همچنین این عقل در واکاوی امور تاریخی مانند کنش ها، سلسله رخدادها، دولتها، طبقات، امپراطوری ها، شکست ها و پیروزی ها فاقد کارایی ست و کاری از پیش نخواهد برد. دانش بنیادین در خصوص جهان منحصر به نگرش تجربی و تحلیل منطقی است، از همین رو فیلسوفان تحلیلی تاریخ کنجکاوی چندانی درباره پی کاوی معنا و ساختار تاریخ ندارند. البته لازم به ذکر است که فیلسوفان ساحت نظری فلسفه تاریخ، به قدرت تفکر فلسفی برای درک و فهم بنیادین تاریخ اطمینان داشته و در برابر رویکرد تجربی و مفهومی صرف مقاومت می کنند. با مقاله معروف کارل همپل تحت عنوان «کارکرد قوانین عمومی در تاریخ» بابی جدید در حوزه فلسفه تاریخ تحلیلی گشوده شد و توجه فیلسوفان تحلیلی را به مباحثی جدید معطوف نمود. از نظر وی، تمامی توصیفات علمی بایستی تحت قوانین کلی قرار بگیرند و توصیفات تاریخی نیز از این قاعده مستثنی نمی باشند. در اینجا ما با نوعی گرایش به قانون کلی در توصیفات تاریخی مواجهیم. گرایشی که از جانب برخی دیگر از فیلسوفان تحلیلی علم همچون ارنست نیگل نیز مورد تاکید قرار گرفت. مقاله همپل مستوجب برانگیخته شدن سلسله‌ای از مجادلات بود؛ حامیان او مدافع کلی گرایی درباره کنش بشری بودند و در برابر مخالفان که باور داشتند تتبعات تاریخی به سان شرح رفتار فردی به مدد تفسیر قابل درک است، به حمایت از قوانین فراگیر پرداختند.

اما در مقابل کسانی چون ویلیام درای، میخائیل اسکریون و آلان دوناگان به محاذات با این نگرش پرداخته و این مساله را پیش کشیدند که علوم اجتماعی عوض تکیه بر قوانین کلی، بر قوانین اجتماعی متکی است. دیگرانی مانند اسکریون نیز به جوانب عملی تحقیق تاریخی اشاره کرده و با خاطرنشانی مسایل خفیفی در تاریخ، بیان داشتند که ممکن است این امور جزئی برای شرح یک واقعه تاریخی در یک زمینه خاص کافی باشند. در نهایت، کلیت اعتراضات به نگرش همپل حول این موارد سامان یافت که اولا تقریبا هیچ قانون کلی ای درباره تاریخ یا سلسله رخدادها وجود ندارد. دوم اینکه در عرض این نظریه، نظریات قابل توجه دیگری نیز در کارند که در آنها رفتارها و نتایج تاریخی مورد ادراک واقع می شوند ولیکن تحت هیچ قانون و قوانین کلی قرار نگرفته اند. روشهای استدلالی این نظریات نیز مناسب فهم رفتارهای فردی است، همچون روش فهم و تفسیر رفتار عقلانی. از همین رو این نظریات می توانند نشان دهند که سلسله علل رخدادها بدون توسل به قوانین کلی کاری ست شدنی.

با مداقه در کشمکش رخ داده بر سر مدل قانون فراگیر، درخواهیم یافت که فرض نادرست وحدت علم و شباهت منطقی و منظم تمامی براهین علمی با موارد خاص توصیف در علوم طبیعی، مستوجب گسترش چنین نزاعی شده است. واقعیتی ست که رویکرد همپل ضعفهای عدیده ای رنج دارد و قادر نیست تا به طرح پرسشهای جدی در خصوص ماهیت تاریخ و دانش تاریخی بپردازد. درک رفتار آدمی تفاوت بنیادینی با فهم این نکته دارد که آب در دمای صد درجه جوش می آید. از همین رو شاید سخن آلان دوناگان پر بیراه نباشد که می گوید: چشم پوشی از هویت اصیل علوم اجتماعی بسته به تاریخ و مساله کردن تحقیق بشری با تغییر چهره و تشبیه نادرست آن به فیزیک، بسیار دردآور و نابجاست. از دیگر موضوعات مورد توجه فلاسفه تحلیلی تاریخ، موضوع عینیت یا عینیت تاریخی می باشد. این موضوع پرسشهایی از این قبیل را بدنبال داشته که آیا دانش تاریخی از این توانایی برخوردار است تا گذشته را عینا بازنمایی کند؟ دید فردی مورخ تا چه اندازه بر تاکید، نادیده گرفتن، انتخاب و تفسیر باز نمایی تاریخی موثر است و آیا می توان این موارد را در ترابطی تاثیرگذار لحاظ کرد؟ بار ارزشی رفتارهای انسان چه نقشی ایفا می کنند و آیا امکان ندارد که جمع بندی بی طرفانه مورخ را مخدوش سازد؟

چنانکه جان پسمور نیز اذعان داشته، این موضوع مشکلات عدیده ای را بوجود می آورد. نخستین مشکلی که در سنت تحلیلی مورد توجه و توغل بسیار قرار گرفته، بار ارزشی رفتار اجتماعی است. مشکل دوم ناظر به این نکته بوده که تفاسیر مورخین خود دارای بار ارزشی می باشد که خود این موضوع باعث برانگیخته شدن پرسشهای بسیاری درباره ظرفیت عین گرایی یا بی طرفی خود مورخ شد. به تعبیری آیا اندیشمند قادر است تا فارغ از تعصبات اخلاقی، سیاسی، ایدئولوژیکی و طبقاتی، به واکاوی و غوررسی جهان بپردازد؟ سومین مورد عینیت تاریخی، خود داده های تاریخی هستند. آیا اصلا واقعیت تاریخی معینی وجود دارد که بی نیاز از تفاسیر بعدی باشد؟ آیا تاریخ بطور ذاتی برخوردار از واقعیت عینی بوده و از بسترهای شکل گیری خود مستقل است؟ و اصلا آیا واقعیتی که نام «مشروطه ایران» به آن اطلاق شود، وجود دارد و یا از طریق روایتهای مختلف مشروطه ایران می توان به یک جمع بندی رسید؟

برای هر کدام از این مشکلات پاسخهایی مطابق با اصول فلسفه تحلیلی وجود دارد. نخست در مورد ارزشها باید بیان داشت که در آشتی میان ایده پژوهنده و ارزشهای دینی مشکل بنیادینی وجود ندارد. شاید اینطور به نظر برسد که پژوهنده ای که با نگاهی باریک اندیشانه به ترسیم ارزشهای دینی شخصیتی تاریخی مشغول است و موافقتی با ارزشهای دینی آن شخصیت ندارد، شاید آنچنان که باید و شاید پژوهش خویش را به خوبی انجام ندهد اما باید گفت که در مسیر پژوهش درست هیچ مانع و رادع معرفتی وجود ندارد و فرد پژوهشگر می تواند کلیت گفتارها، کردارها و رسوم فرهنگی مختلف را به درستی مورد بررسی قرار دهد. بدین سان ضرورتی ندارد که پژوهنده باوری همسان با ارزشها و جهانبینی یک مسیحی پروتستان داشته باشد تا بتواند ارزیابی عادلانه ای در مورد آنها عرضه دارد. این موضوع ما را به راه حل مسئله دوم رهنمون می شود که همانا امکان بی طرفی پژوهنده است.

حال پرسش از عینیت گذشته به میان می آید که آیا اساسا بنیانی برای باور به ویژگی های معین و عینی رخدادها-ویژگی هایی که مستقل از روایت ما باشند- و شرایط گذشته در کار هست یا نه. آیا می توان قائل به روایتی مستقل از روایت لایه های زیرین ساختارهای تاریخی شد که مورد رجوع مورخین قرا گیرد؟

اگر ما قادر باشیم تا تمایز میان سه عینیت رخدادها، رفتارها و رخدادهای گذشته، عینیت رخدادهای معاصر -که محصول رخدادهای گذشته هستند- و عینیت موجودیتهای تاریخی را بدرستی فهم کنیم، در این صورت خواهیم توانست تا حد زیادی نسبت به گام هایی که برداشته ایم اطمینان نماییم. گذشته دقیقا همانی ست که رخ داده بدین معنا که جملگی آدمیان در شرایطی خاص می زیستند، جنگهایی رخ داده اند و خشکسالی ها اتفاق افتاده و فناوری هایی اختراع شده است. این رخدادها اخباری از خود بجا گذاشته اند که بنیان عقلانی اطمینان ما به گذشته را تشکیل داده اند. از همین رو ما تا حد زیادی از این توانایی برخورداریم تا تفسیری معتبر از «عینیت گذشته» عرضه داریم. این عینیت در زمان عطف توجه ما به رخدادهای تاریخی انتزاعی چندان زیاد نیست. مثلا در مورد ایجاد پولیس های یونانی، ظهور و تقرر عقلانیت عصر روشنگری و جنبش شعوبیه این نکته صادق است. هر یک از اسامی فوق الذکر تفسیری است برای رخدادهای تاریخی خام که توسط شخصیتهای تاریخ یا مورخان شکل گرفته و ممکن است توسط مورخان آینده ابطال گردد. گفتنی ست که اشاره به جنبش شعوبی مستلزم پیوند تعداد زیادی واقعه تاریخی است؛ پیوندی که تنها از طریق یک روایت تفسیری میسر می شود. در اینجا باید متذکر این مطلب شد که همچنان حقایق در پرده مانده ای درباره تاریخ وجود دارد که به هم بافتن اطلاعات در دسترس در یک حقیقت تاریخی بزرگتر، باعث نمی گردد تا امر فی نفسه تاریخی و عینی ساخته شود. نمونه مشهور چنین مساله ای، پژوهشهای سه دهه اخیر ناظر بر انقلاب صنعتی است. در آغاز، تلقی این بود که انقلاب صنعتی تغییر کیفی تکنولوژیک و تولید است اما اندک اندک و در سیر تطور تفسیری، روایتهای متاخر صورتی روشن تری از اطلاق انقلاب به آن را به نمایش گذاشتند.

معرفی کتاب

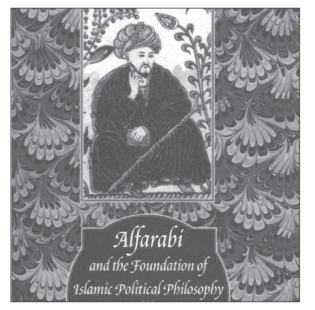

Alfarabi and the foundation of Islamic political philosophy
فارابی و بنیان‌گذاری فلسفهٔ سیاسی اسلامی
اثر محسن مهدی
ترجمهٔ محمداحسان مصحفی
ناشر: کتاب رایزن
وضعیت نشر: آمادهٔ چاپ

جنگ و حقوق بین الملل از دیدگاه هگل

دیوید دوکت
ترجمه: عدنان فلاحی

الف) حاکمیت رویاروی دولتهای بیگانه

تداخل ارادهی کلی و ارادهی جزیی از خلال دستگاه پیچیدهای از میانجیگریهای سیاسی، چیزی است که خودآگاهی دولتملت را میسازد، خودآگاهیای که به مثابه تمامیت اندامواره (اندامهای داخلیِ متمایز، و مرتبطِ برهم تأثیرگذار) یا فرد عینی، مورد توجه است.

بر اساس تلقی هگل، جنگ یک «برههی اخلاقی» در زیست دولتملت است و بنابراین نه رخدادی غیرمترقبه است و نه شر ذاتی. از آنجا که هیچ قدرت جهانیای در کار نیست که بر دولتملتها حکمرانی کند و از آنجا که این موجودیتها در راستای حفاظت از وجود و حاکمیت خود قرار دارند، تضادهایی که به جنگ منتهی میشوند اجتنابناپذیرند. نیز دفاع از ملت، وظیفهای اخلاقی است، و آزمون نهایی میهنپرستی، جنگ است. «فداکاری به سود فردیت دولت، پیوند ذاتی بین دولت و تمام اعضای آن بوده و نتیجتاً وظیفهای جهانشمول است» (عناصر فلسفهی حق، بند۳۲۵).

افراد، در جریان فداکاری برای دولت، شجاعت خود را اثبات میکنند که مستلزم فراروی از توجه به منافع خودخواهانه و وجود مادّی محض است. «ارزش ذاتی شجاعت به مثابه گرایشی از ذهن، در هدفِ حقیقیِ مطلق و نهایی، یعنی در حاکمیت دولت یافت میشود. کارکرد شجاعت، عملیکردن این هدف نهایی است و وسیلهی رسیدن به این هدف، همانا فداکردن واقعیت شخصی است» (عناصر فلسفهی حق، بند۳۲۸).

به علاوه، جنگ در کنار فاجعهی انسانی، بیماری و... محدودیت و آسیبپذیری و اوج زوالپذیریِ وجود انسانی را برجسته میکند، و سلامتی دولت را در بوتهی آزمایش قرار میدهد. هگل تحقیقاً ایدهآل «صلح ابدی» -که کانت از آن دفاع کرده است- را به مثابه هدفی واقعی که انسان میتواند در راستای آن بکوشد، مورد توجه قرار نمیدهد. نه تنها حاکمیت هر دولتی قانوناً غیرقابل اسقاط است، بلکه هر اتحاد یا همپیمانیِ دولتها نیز برخلاف منافع سایر دولتهاست.

ب) حقوق بینالملل

«حقوق بینالملل از روابط بین دولتهای مستقل نشأت میگیرد. به همین دلیل است که آنچه در حقوق بینالملل، مطلق به شمار میآید، شکل نوعی تعهد را حفظ میکند؛ چراکه حقوق بینالملل عملاً متکی بر ارادههای مختلفی است که هرکدامشان، حاکمیت هستند» (عناصر فلسفهی حق، بند ۳۳۰). دولتها اشخاص منزویِ داخل جامعهی مدنی نیستند که -در بافتار بههموابستگیِ جهانی- درِ پی منافع شخصیشان باشند، بلکه دولتها موجودیتهای کاملاً خودمختارند که هیچ ارتباطی از حقوق خصوصی یا اصول اخلاقی بین آنها نیست. هرچند از آنجا که دولت نمیتواند از داشتن روابط با سایر دولتها خلاص شود، میبایست دستکم حدی از به رسمیتشناختن هر دولت از جانب سایر دولتها در کار باشد. حقوق بینالملل تجویز میکند که معاهدات بین دولتها باید محفوظ باشند؛ اما این شرط جهانشمول، انتزاعی باقی میماند زیرا این، حاکمیت هر دولت است که اصل راهنمای آن است و بنابراین، دولتها من حیث ارتباط با هم، تا به این حد، در یک وضع طبیعی قرار دارند (وضع طبیعی در معنای هابزی یعنی حقوق طبیعی برای بقای شخص در کار است در حالیکه هیچ وظیفهی طبیعیای نسبت به دیگران در کار نیست).

«حقوق دولتها فقط ذیل ارادههای خاص آنها محقق میشود و نه ذیل یک ارادهی جهانی که به مدد قدرتهای استوار بر قانون اساسی، فراتر از دولتهاست. نتیجتاً این شرط جهانشمول حقوق بینالملل، تحقیقاً از تعهد فراتر نمیرود و آنچه که عملاً رخ میدهد این است که روابط بینالمللی مطابق با معاهده، در پی انفصال این روابط، تغییر میکنند» (عناصر فلسفهی حق، بند۳۳۳).

پس مشخصاً اگر دولتها درصدد مخالفت با سرشت معاهدات خود برآیند و هیچ توافق قابلپذیرشی برای هریک از طرفین در کار نباشد، جنگ مشکلات را به شکل نهایی حلوفصل خواهد کرد. دولتها سعادت خود را بالاترین قانونِ حاکم بر روابط خود با سایرین میدانند؛ هرچند ادعای دولت در به رسمیت شناختن این سعادت کاملا متفاوت با مدعیات سعادت شخص در جامعهی مدنی است. «دولت -این ذات اخلاقی -وجود معیّن خویش را دارد؛ یعنی حقوق دولت مستقیماً در چیزی واقعی تجسم یافته است... و اصل راهنمای کردار و رفتار دولت، فقط میتواند این وجود عینی باشد و نه یکیَ از انبوه اندیشههای جهانشمولی که به مثابه فرامین اخلاقی پیشنهاد شدهاند» (عناصر فلسفهی حق، بند۳۳۷).

فلسفه اسلامی و دشواره ی ناسیونالیسم ایرانی

سیری انتقادی در آراء محمد عابدالجابری

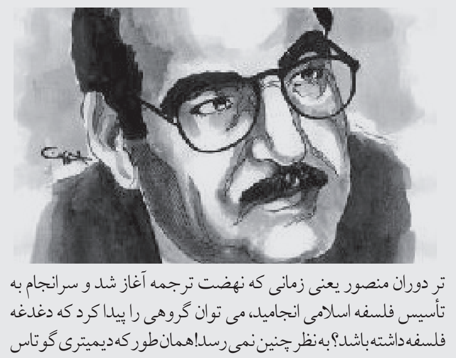

اسماعیل نوشاد- محمد عابدالجابری فیلسوف مراکشی (۱۹۳۶-۲۰۱۰)، در پروژه پر سر و صدایش یعنی «نقد عقل عربی» بحث های دامنه داری در مورد عقلانیت عربی یا اسلامی و همچنین شکوفایی و انحطاط آن، ارائه کرده است. او در کتاب هایی مانند «ما و میراث فلسفی مان» و «نقد عقل عربی»، به زمینه های شکل گیری و تأسیس فلسفه اسلامی و همچنین انحطاط آن با توجه به تفسیر خاص خودش پرداخته است. جابری فارابی را به عنوان مؤسس فلسفه اسلامی فیلسوفی مسئله دار می داند، که با توجه به شرایط آن روز جامعه اسلامی، عقلانیت یونانی را برای حل معضلات این جامعه به خدمت گرفت. این عقلانیت با سبقه ای نوافلاتونی و گنوسی، سعی در جمع بین فلسفه و دین و ارائه خوانشی عقلانی از دین داشت. فارابی را می توان اولین شخصی دانست که به طور جدی و آگاهانه پروبلماتیک خاص این معضل را رسم و بررسی کرد. از نظر جابری مسئله فارابی در اینجا یک مسئله اسلامی یا عربی، مربوط به تمامیت تمدن اسلامی است. این دشواره نظری در برابر هر آن کسی قرار داشت که در شرق یا غرب عالم اسلامی، به مسائل این تمدن به شیوه ای عقلانی می اندیشید؛ و شاید اکنون نیز در قرن چهارده هجری شمسی، این دشواره نظری هنوز پابرجاست. نفس وجود فیلسوفی به نام محمد عابدالجابری دلیلی برای این مدعاست. تا به اینجا، برنهادهای جابری در عین اهمیت مناقشه برانگیز نیست. نقطه مناقشه برانگیز اندیشهی وی موضوع انحطاط تفکر اسلامی است. جابری درست آن مقطعی را که همگان در شرق و غرب اوج فلسفی اسلامی می دانند، یعنی فلسفه ابن سینا را، لحظه آغاز انحطاط عقلانیت اسلامی یا به زعم خودش «عقل عربی» می داند. مشکل او با بخشی از اندیشه ابن سیناست که به «حکمت مشرقیه» مشهور است. به نظر وی ظهور حکمت مشرقیه که صورتی رازآلود و عرفانی دارد، منجر به افول عقلی شد که جهان اسلام از یونان به ارث برده بود. جابری این رخداد را در فلسفه اسلامی نتیجه پیاده سازی ایدئولوژی قومی شکست خورده، یعنی ایرانیان می داند. از نظر او این امر نوعی بازگشت به عقب و انحطاط است. «مشرقیان» ایرانی از طریق این ایدئولوژی در پی کنار زدن «شرکای صناعت» یعنی مغربیان بغدادی بودند. یک حمله گسترده ایدئولوژیک از جانب «خراسانیان» بر علیه «بغدادیان»؛ و ابن سینا سردمدار و مؤسس این حمله بود. به زعم جابری این امر آغاز «انحطاط عقل عربی» گشت. به عبارتی جابری معتقد است که ابن سینا بار دیگر ایدئولوژی گنوسی و رازآلود ایرانی را به نام فلسفه مشرقیه وارد فلسفه اسلامی کرد، و با این کار زمینه سقوط فلسفه و عقل را در شرق اسلامی فراهم کرد. البته او در همه جا به جای واژه اسلامی از واژه «عربی» استفاده می کند و دلیل این کار را زبان عربی که رسانه فکری تمدن اسلامی بوده است، می داند. به عقیده او کار ابن سینا را غزالی و بعد سهروردی کامل کردند و به این ترتیب بساط عقلانیت از شرق اسلامی برچیده شد. نوعی هستی شناسی اسطوره ای ایرانی که در دوران باستان با نجوم بابلی یا حرانی ترکیب شده بود، به جای عقل نوبنیاد ارسطویی نشست: عقلانیت جوان مرگ شد!

با اندکی بدبینی میتوان یک ناسیونالیسم عربی و ضد ایرانی را در این نظریات دید، اما در این مجال قصد دامن زدن به این تنش کهنه را نداریم. جابری به مانند جریان های امروزی اعتقادش را به حقیقت جهان شمول را از دست نداد و بر این باور بود که در مقطعی از تاریخ اندیشه «عربی» مسئولیت عقل جهان شمول و انسانی را بر عهده گرفت، ولی «ارتجاع» ایرانی و گذشته گرایی آن، این عقل را به بیراهه کشاند و در نهایت به یک ایدئولوژی قومی تقلیل داد. اگر بخواهیم از وجهی تاریخی این نظریات را بررسی کنیم، به نظر می رسد که ساخت نظری اندیشه جابری با مشکلات جدی روبروست. بعد از روایت تاریخی هگل از فلسفه، امروزه تقریبا مسلم است که هر گفتمان خاص تاریخی فلسفی سوژه ای ویژه و مربوط به همان عصر دارد. پرسش این گونه مطرح می شود که: سوژه اندیشنده «عقل عربی» کیست؟ آیا در طبقه های حاکم عصر مأمون یا کمی قبل تر دوران منصور یعنی زمانی که نهضت ترجمه آغاز شد و سرانجام به تأسیس فلسفه اسلامی انجامید، می توان گروهی را پیدا کرد که دغدغه فلسفه داشته باشد؟ به نظر چنین نمی رسد! همان طور که دیمیتری گوتاس در کتابش «اندیشه یونانی، فرهنگ اسلامی» به روشنی استدلال کرده است، دغدغه دولتمردان عباسی بیشتر متوجه درگیری های ایدئولوژیک بوده است. از طرفی فرقه های متنوع ایدئولوژیک مانند مزدکیان، مانویان، زنادقه، دهریون، حرانیان و... در حال تبلیغ عقاید خود بودند، و از طرف دیگر قرائت های مختلفی از قرآن و سنت به دلایل مختلف در حال شکل گیری بود. با وجود این مشکلات دولت عباسی فاقد ابزار گفتمانی لازم برای درگیری با این دشواره های نظری بود. در این وضعیت متون یونانی و به ویژه ارسطو به کمک خلافت آمد. از یک طرف کتاب هایی مانند جدل ارسطو باعث شد تا متکلمان و فقها ابزاری برای اسکات خصم بیابند و از طرفی دیگر متونی که به دستور زبان و الفاظ می پرداخت، می توانست در علمی که بعدها صرف و نحو نام گرفت، ره گشا باشند. علم نحو باعث می شد تا قرائت های مختلف به کنار گذاشته شود و یک قرائت واحد از قرآن به دست آید. مقاصد دولت عباسی از نهضت ترجمه نمی توانست از این فراتر رود. نشانه بارز این نظریه سیاست دوم مأمون یعنی سیاست «مهنه» بود. سیاستی که مبنای آن پیاده سازی یک قرائت واحد و راست کیشانه از دین و حذف دیدگاه های دیگر، از طریق تفتیش عقاید بود. به عبارتی دولت عباسی که اکنون به ابزار جدل و نحو مجهز شده بود، میخواست در همین جا جریان را نگه دارد. با این شرایط فلسفه رامیتوان یکی از نتایج ناخواستهی نهضت ترجمه نامید. مأمون متکلمانی حاضر جواب در اسکات خصم و نحویانی توانا در ایجاد یک قرائت واحد از متن می خواست، نه بیشتر. البته برای بیشتر از آن نیز نقشهاش را کشیده بود: سیاست تفتیش عقاید: «مهنه». اگر بخواهیم ببینیم که نطفه های اندیشه غزالی از کجا شکل گرفت، بایست ریشه آن را در این سیاست ببینیم نه «انحراف ایدئولوژیک ابن سینا»؛ آن گونه که جابری میگوید. در واقع مشکل از سیاست متناقض دربار عباسی بود که از یک طرف نهضت ترجمه را آغاز کرد و از طرف دیگر سیاست مهنه را پایه گذاشت. این دو سیاست متناقض در اشخاصی مانند ابن سینا و غزالی به ثمر نشست و سرانجام به درگیری و تنش انجامید و با توجه به حمایت قدرت از سیاست دوم، فلسفه یا عقل «عربی» به تعبیر جابری شکست خورد. این که چرا دربار عباسی در آن برهه این گونه متناقض عمل کرد، به مسائل دیگری برمی گردد که ذکر آن در این مجال نمیگنجد. بنابراین دلیل اصلی شکست فلسفه در سرزمین های عربی پیگیری یک سیاست متناقض از طرف دربار خلفا از لحظه تولد این عقل بود. این دو سیاست مربوط به یک زمان واحد نبودند. به هر صورت، موارد فوق روشن می کند که سوژه اندیشنده و مؤسس فلسفه در جهان اسلام طبقه حاکم آن زمان نبوده اند. فلسفه یک نتیجه ناخواسته بود که در حاشیه قدرت بغداد، در اقوام غیر عرب و یا مذاهب متفاوت از مذهب رسمی آن دوران شکل گرفت. به همین خاطر فارابی ایرانی و مشکوک به اسماعیلی گری، در حکومت حمدانیان شیعی، و ابن سینای باز هم ایرانی و مشکوک به اسماعیلی گری در خراسان پرورش یافتند. بنابراین سوژهی گفتمانی که به فلسفه اسلامی معروف شد، بر طبق جغرافیای سیاسی و مذهبی و قومیتی آن زمان، سوژه ای حاشیه ای و نه مؤسس «عقل عربی» بود. این که در دوران معاصر افرادی چون فارابی و ابن سینا در درون تمدن اسلامی محبوب شده اند و نقشی محوری یافته اند، بیشتر به خاطر فخرفروشی و رقابت با غربیان بوده است؛ وگرنه، این بزرگان در زمان خودشان از طرف گفتمان حاکم بدعت گذار و زندقه و.. نامیده می شدند.اما در مورد انتقاد جابری از ابن سینا، در باب وارد کردن ایدئولوژی قومی ایرانی-حرانی به فلسفه اسلامی، ما در این موضوع با جابری موافقیم. سوژه تاریخی یک سوژه میان تهی نیست که مانند سوژه دکارتی فقط بیاندیشد؛ بل یک سوژه قومی است که گذشته، سنن و باورهای خاص خود را دارد. این سوژه برای آن که و قبل از آن که، عشق به حقیقت داشته باشد، بایستی زندگی کند. بایستی با دیگرانی که در حوزه فرهنگی و قومی اش هستند، یک پیوند معنایی داشته باشد-جدای از پیوندهای زیربنایی برای تأمین نیازهای مادی. طبیعی است که شیوه خاص پی ریزی عقلانیت این سوژه پی رنگ های بومی دارد. تاریخ آگاهی به قول هگل تاریخ همین اقوامی است که به ترتیب، با توجه به زیست بوم خود، عقل را در تاریخ به پیش برده اند. ابن سینا نیز همان گونه که جابری پی برده است، از ابتدا به صورتی پنهانی و از مرحله ای به بعد به صورت آشکار «شرکای صناعت» را در بغداد رها کرد و به دنبال تقدیر قومی خاص خود در پیوند با عقلانیت و حقیقت رفت. راهی که خلفش سهروردی با جدیت دنبال کرد و در فلسفه صدرا به گفتمان فلسفی خاص قومیت ایرانی تبدیل شد. بی دلیل نیست که همزمان با به بار نشستن این راه پر پیچ و خم فکری از ابن سینا تا صدرا، اولین حکومت ملی ایرانی که به لحاظ مشروعیت معنوی مستقل از جریان خلفای بغداد و بعدها عثمانی است، ده قرن پس از سقوط ساسانیان در محدوده جغرافیایی ایران سنتی شکل گرفت. ممکن است این جریان تکافوی ایران امروز را نکند، اما در عصر صفوی این گفتمان دستاورد بزرگی است. دقیقا به همین خاطر است که بر خلاف روایت سایر مسلمانان و غربیان، در روایت ایرانی اوج فلسفه اسلامی در صدرا رخ میدهد نه ابن سینا.